

## ۷۷. قصد خداوند

در حدود دو هزار سال پیش اتفاق عجیبی رخ داد. اتفاقی جنجال آمیزی که شاید مردم هرگز مثل آن را ندیده بودند. نجاری را که شغل روحانیت اختیار کرده بود نیمه شب بطور غیر قانونی بدادگاه کشیدند و اگر چه گناهی نکرده بود او را بسخت ترین مجازات یعنی مرگ محکوم نمودند. حکم تصلیب بر دو تکه چوب صادر شد. پیلاتس حاکم روم امر فرمود تا نوشته ای به زبان لاتین و عبری و یونانی بالای سر متهم بگذارند: «عیسی ناصری - پادشاه یهود». (یوحنا ۱۹). وقتی که رؤسای کهنه آنرا دیدند غضبناک شده خواستند که پیلاتس آن نوشته را عوض کند. می خواستند نوشته چنین باشد: «او ادعا میکرد که پادشاه یهود است.» ولی حاکم جواب داد «هر چه نوشتیم نوشتیم.» مردم اطلاع نداشتند که این مرد که بود و برای چه بدار آویخته شده بود.

موقعی که خورشید بالا آمد و هوا گرم شد صدها مرد و زن از بازداشت و اعدام عیسی مسیح با خبر شده به محل اعدام که در تپه ای بنام جلجتا بود، روانه شدند تا مرگ آموزگار بزرگ را مشاهده کنند. اطراف مصلوب هنگامه عجیبی از جمعیت بوده مردم طعنه زنان می گفتند «ادعاهای بزرگی برای خود کردی، حال خود را از دست آزاردهندگان خلاص کن.» رئیس کاهنان و رهبران روحانی با استهزاً فریاد کردند که «دیگران را نجات داد ولی خود را نمی تواند نجات دهد. اگر پادشاه اسرائیل است اکنون از صلیب فرود آید تا بدو ایمان آوریم.»

بنا بود عیسی را بین دو دزد که مانند او محکوم شده بودند به صلیب بکشند. یکی از آنان بعیسی روگردانیده گفت «اگر تو مسیح هستی خود را و ما را برهان.» اما آن دیگری جواب داده او را نهیب کرد و گفت «مگر تو از خدا نمیترسی؟ چونکه تو نیز زیر همین حکمی، اما ما با عدالت جزای اعمال خود را یافته ایم، لیکن این شخص هیچ گناهی نکرده است.» هنگامی که سربازان رومی برای ردای مسیح قرعه می انداختند، افسر رومی که شاهد امر بود اظهار داشت «در واقع این مرد بیگناه بود. . . بدون شک این مرد پسر خدا بود.» (لوقا ۲۳:۴۷ و متی ۲۷:۵۴). در ضمن این وقایع مسیح بسوی آسمان نگریسته دعا کرد «ای پدر، اینان

را ببخش زیرا نمی دانند چه می کنند.» (لوقا ۲۳:۳۴). واقعاً این منظره عجیبی بود. رؤسای یهود هشیار بودند تا سربازان رومی مانع اعدام وی نشوند و در عین حال فرشتگان خداوند نیز حاضر بودند تا نگذارند شیطان در مقصود خداوند دخالت کند.

#### سؤ قصد مسیح

ظلم و بی عدالتی دادگاه قوم یهود او را به اعدام محکوم کرد : «و نیز بسزای گفتارشان که ما مسیح عیسی بن مریم را که رسول خداوند بود کشتیم، بنی اسرائیل وی را نکشته اند و او را بر دار نکردند لکن امر مشتبه شد بر آنها.» (سوه النساء ۱۵۷).

در مطالعه این آیه باید دقت کنیم مبادا بیشتر از آنکه می گوید چیزی اضافه نمائیم. آیه فوق می فرماید که قوم یهود باین ادعا که مسیح را کشتند نمی باشند. در آیه های دیگر نیز یهودیان بعلت افعالشان تحت اتهام قرار گرفتند. در انجیل نیز همین امر صادق است. هنگامی که یهودیان عیسی را گرفته خواستند بکشند تمامی قوم اصرار کردند «خون او بر ما و فرزندان ما باد.» این یک اقرار بسیار مهمی است زیرا شخصی را که مورد هدفشان قرار داده بودند مسیح خداوند بود. آنان حاضر شدند او را بقتل رسانند و درعین حال تقصیر عملشان را بعهده خود و فرزندانشان بگذارند. آیه فوق می گوید که یهودیان او را نکشتند و لکن بر آنان مشتبه شد. رومیان قدرت اعدام را از دست یهودیان گرفته بودند. این نیز در انجیل تصدیق می شود. مکرراً خواستند مسیح را بکشند ولی نتوانستند.

من جمله موقعی که مسیح بشهر خود (ناصره) برگشته بود و در معبد وعظ میکرد در خلال گفتارش بشارتهای آمدن مسیح را از تورات بیان میکرد. بعد فرمود: «امروز در حالی که گوش می دادید این نوشته به حقیقت پیوست.» (لوقا ۴:۲۱). مردم بمجرد شنیدن این حرف غضبناک شده برخاستند و عیسی را از شهر بیرون کردند و برقله کوهی که قریه ایشان بر آن بنا شده بود بردند تا او را بزیر افکنده وی را هلاک کنند. ولی خواست خداوند این چنین نبود که مسیح را بکشند. بطور معجزه آسا از میان آنان عبور کرده بی خطر گذشت.

در اواخر عمرش رهبران قوم از حاکم روم درخواست کردند تا مسیح را اعدام کند ولی او جواب داد «شما او را بگیرید و موافق شریعت خود بر او حکم نمائید.» یهودیان گفتند «طبق قانون، ما اجازه نداریم کسی را بکشیم» (یوحنا ۳۱:۱۸). چون آنان تابع حکومت نظامی روم می زیستند اجازه و قدرت اعدام مسیح را نداشتند. اگر چه می خواستند او را بکشند ولی او را نکشتند!

و اما آیا رومیان این قدرت را داشتند؟ اینطور بنظر می رسد. بلی، ولی جواب این سؤال را نیز در انجیل باید پیدا کرد. حاکم روم هنگامی که با مسیح گفتگو می کرد ادعا کرد که قدرت کشتن مسیح را دارد. سؤال و جواب آندو را ملاحظه کنید: «پیلطس بدو گفت " آیا بمن سخن نمی گوئی؟ نمی دانی که قدرت دارم ترا مصلوب کنم و قدرت دارم آزادت نمایم؟" عیسی جواب داد "هیچ قدرت بر من نمی داشتی اگر از بالا بتو داده نمی شد."» (یوحنا ۱۹:۱۰ و ۱۱). بنابراین اگر یهودیان نتوانستند مسیح را بکشند و والی روم قدرت آن را هم نداشت پس آن روز واقعاً چه اتفاقی رویداد؟ آیا ممکن است خداوند بمرگ مسیح راضی باشد؟ جواب این سؤال را در برنامه بعدی توضیح میدهیم.